

تأملی بر امضای قانون اساسی موقت عراق

محمد بدلی مشاهیر

badali_m@yahoo.com

تحولات و اصلاح ساختار سیاسی کشورهای با دولتهای توتالیتر در راستای سیاست راهبردی ایالات متحده آمریکا قرار دارد که از آن با نام طرح «خاورمیانه بزرگ» یاد می شود. در این طرح که به تازگی در اختیار رسانه ها قرار گرفته شده است، آمریکا در صدد است با همسو کردن هشت کشور صنعتی دنیا آنرا به اجرا بگذارد. در این طرح حمایت از نهادینه شدن اصول دموکراسی، روی کار آمدن حکومتهای منتخب مردمی، بستر سازی جهت گسترش دانش و فن آوری و ایجاد فرصت های مناسب اقتصادی بخشی از اقدامهای کشورهای صنعتی غربی در این حوزه مهم و حیاتی جهان است. در طرح «خاورمیانه بزرگ» آمده است که تا زمانی که سیاست دور کردن مردم از فعالیت های سیاسی و اقتصادی در خاورمیانه رو به افزایش باشد و کانونهای قدرت تنها در دایره بسته باقی بمانند، فعالیت تروریستی، میزان جرایم و مهاجرت های غیر قانونی به کشورهای غربی روند صعودی خواهد داشت. بدین ترتیب کشورهای بسته از لحاظ سیاسی و دارای نظام متمرکز در خاورمیانه در تیراَس اهداف چنین طرحی قرار دارند.

در آخرین شماره نشریه دانشجویی «اویرنجی باخیشی» در سال 1381 مطلبی با عنوان «سال 1382، سال تحقق فدرالیسم در کشور» به رشته تحریر درآمد که در آن با بررسی وضعیت کشورهای خاورمیانه، اهداف ابرقدرتها در این حوزه و گزینه های در پیش رو برای



انجام اصلاحات گسترده برای برقراری عدالت واقعی در داخل کشور، ضرورت تحقق فدرالیسم به معنای عدم تمرکز برای نیل به هدف حق تعیین سرنوشت ملل و اقوام ساکن در ایران پیش بینی شد. اکنون سال 1382 را در حالی به پایان می رسانیم که چنین امری در کشورهای افغانستان و عراق به وقوع پیوسته و در کشور ما در حال حاضر هیچ خبری از قدمهای اولیه فدرالیسم که نیست، حتی در سطح خیلی

درست یک سال پیش بود که بوش، رئیس جمهور ایالات متحده در حال کوبیدن طبل جنگ با عراق بود. در آن روزها وضعیت پیچیده ای کل جهان را دربرگرفته بود. از یک طرف سران کاخ سفید همراه با بیش از نیمی از جمعیت کشور آمریکا در جهت سیاستهای توسعه طلبانه خود در خاورمیانه در انتظار آغاز جنگ بودند و از دیگر سو مردم به اصطلاح صلح طلب یا باقی مانده چپهای دنیا در ظاهر برای جلوگیری از جنگ افروزی و کشته شدن مردم بیگناه به خیابانها ریخته و شعار عدم جنگ و مرگ بر امپریالیسم را سر می دادند. در این بین فقط مردم عراق بودند که ساکت در انتظار سرنوشت نامعلوم خود بودند. مردمی که بیش از سی سال دیکتاتوری خوف صدام، این جنایتکار بی رحم تاریخ را تجربه کرده بودند. بهرحال دکترین سران امنیت ملی کاخ سفید محقق شد و درست زمانی که مردم ایران شادی کنان ایام نوروز 1382 را جشن می گرفتند، مردم در عراق التهابات ناشی از جنگ را تجربه کردند. بعد از سقوط صدام، مردم عراق ابتدا با دسته های گل به استقبال نیروهای به اصطلاح آزادیبخش آمریکا و انگلیس رفتند و پایکوبان مجسمه های صدام را در میدانهای شهر بغداد به کمک نیروهای آمریکایی به پایین کشیدند. ولی رفته رفته با احساس کردن توسعه طلبی های ابرقدرتها به جمع مخالفین حضور نیروهای آمریکایی و انگلیسی در عراق پیوستند. با این وجود بدلیل ناامن بودن فضای جامعه عراق و نیز تشکیل نشدن یک دولت منتخب مردمی و بدنبال آن کنترل کردن کشور خیلی ها من جمله شورای حکومتی فعلی عراق حضور این نیروها را در حال حاضر به صلاح کشور عراق می دانند.

در روزهای اخیر نیز در عراق اتفاقی افتاد که آرزوی دیرین ملت های تحت ستم ملی بود. در این روزها شاهد امضای قانون اساسی موقت عراق توسط شورای حکومتی این کشور بودیم که توجه به آن و نیز تأثیر آن بر فضای سیاسی کشورهای همجوار از اهمیت خاصی برخوردار است. با توجه به مفاد این قانون، نظام اداری کشور فدرالی، دموکراتیک و مبتنی بر تعدد احزاب پیش بینی شده است. در این قانون دو زبان عربی و کردی زبانهای رسمی کشور عراق محسوب شده و به بقیه زبانها اجازه داده شده تا در مؤسسه های آموزشی خود تدریس شوند. همچنین خودمختاری سرزمینهای کردنشین در این قانون تضمین شده است. علی الرغم اینکه بقیه قومیت های عراقی از این قانون دموکراتیک سهم ناچیزی برده اند.

بعد از افغانستان که با توجه به مفاد قانون اساسی آن یک نظام جمهوری اسلامی مبتنی بر تقسیم قدرت بین ایالتها بوجود آمد، اینکه نوبت عراق بود که تحولی بنیادین در ساختار سیاسی این کشور رخ دهد. همه این



کل افغانستان بهره بردند. همچنین افزایش اختیارات محلی در این کشور به وقوع پیوست که نمونه ای از سیستم فدرالیستی می باشد. در قانون اساسی موقت عراق نیز اقلیت 15 درصدی کرد از رسمی شدن زبان خود در کل کشور و بالاتر از آن از حق خودمختاری در مناطق تحت تسلط خود برخوردار شدند که مسئله ای قابل تأمل است. با این وضعیت و با توجه به بافت جمعیتی ایران که از دو گروه قومی عمده ترک و فارس و سایر اقوامی همچون عرب و کرد و لر و بلوچ و ... تشکیل شده است، نسبت به احقاق حقوقی چون رسمیت یافتن زبانهای ترکی و فارسی در کل کشور و نیز سایر زبانها در محدوده جغرافیایی خودشان و همچنین خودمختاری سیاسی و فرهنگی مناطق قومی بایستی تلاش وافر به انجام برسد. به طور یقین می توان گفت که رسمیت یافتن چنین حقوقی در کشور که کاملاً مطابق با اعلامیه جهانی حقوق بشر و نیز سایر کنوانسیونهای بین المللی است، در جهت افزایش ثبات و پایداری واقعی سیاسی و اقتصادی در کشور گام بسیار مهمی می باشد.

از اینرو انتظار می رود که سال 1383 سالی حیاتی در کشور باشد که بهر حال مسائل و حقوق ملل و اقوام بیش از پیش وارد عرصه مباحث سیاسی کشور گردد.

پایین، اجرای اصل 15 قانون اساسی نیز در هاله ای از ابهام قرار دارد.

در وضعیت کنونی با توجه به شرایط خاص بین المللی و منطقه ای، اصلاح ساختار سیاسی کشور مبنی بر نهادینه شدن اصول دموکراسی و گذر از سیستم متمرکز کنونی به یک سیستم فدرال در جهت تحقق مطالبات مدنی تمام شهروندان و از همه مهمتر رسمیت یافتن حق تعیین سرنوشت ملت ضروری به نظر می رسد. در این راستا حاکمیت جمهوری اسلامی ایران بایستی جهت نیل به اهداف فوق ابتدایی ترین حقوق انسانی ملل و اقوام غیر فارس را در سرلوحه برنامه های اجرایی خود قرار دهد. بی شک عدم توجه و تمکین به این حقوق انسانی و طبیعی شهروندان باعث افزایش مطالبات مدنی و بوجود آمدن یک روند گریز از مرکز خواهد شد. و این هنگام زمانی خواهد بود که اهداف ملت در راستای اهداف ابرقدرتهایی مثل ایالات متحده قرار گرفته و شرایط رفته رفته بر حکومت مرکزی تنگ تر خواهد شد. البته شایان ذکر است که چنین عکس العملهایی را از طرف کردها در چند روز گذشته شاهد بودیم.

در این بین استراتژیها و تاکتیکهای فعالین اجتماعی که در راستای احقاق حقوق اقوام و ملل داخل کشور فعالیت می کنند، از اهمیت خاصی برخوردار است. فعالین فرهنگی و سیاسی کشور بایستی با درک واقعیهایی بین المللی کنونی و شرایط ایجاد شده در کشورهای افغانستان و عراق که نمونه بارز تبدیل حکومتهای سانترالیستی به حکومتهای دموکراتیک و مردمی است، نسبت به اعاده شدن حقوق طبیعی شهروندان دقت لازم را بعمل آورند. در افغانستان اقلیتهای قومی این کشور از حقوق رسمی شدن زبانشان در مناطق تحت سیطره خود برخوردار شدند و اکثریت پشتو و تاجیک نیز از رسمی شدن زبانشان در